

روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

دکتر نجف لک‌زایی*

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۳۰

تاریخ تأیید نهایی: ۸۹/۱۱/۱۹

چکیده

توجه به اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، در سطح ایران و جهان رو به فزونی است. این مسأله نه فقط به دلیل جای‌گاه علمی ایشان است، بلکه به جای‌گاه سیاسی ایشان و تأثیر شگرفی که در تحولات دنیای جدید داشته و دارند نیز مرتبط است. اما حقیقت این است که به موازات توجه به اندیشه‌های امام خمینی، به روش‌های معتبر برداشت از اندیشه ایشان چنانکه شایسته است، توجه نشده و همین مسأله باعث پاره‌ای سوء فهم‌ها شده است. در این مقاله به برخی روش‌های فهم و طرح اندیشه سیاسی امام، از جمله روش تحلیل سیستمی، روش بحران، روش مفهومی، روش راهبردی و روش تحلیل گفتمان پرداخته شده است. پایان‌بخش مباحث مقاله راهکار فهم بهتر اندیشه سیاسی امام است.

کلیدواژگان: امام خمینی، اندیشه سیاسی، روش‌شناسی، تحلیل سیستمی، روش بحران، تحلیل گفتمان، روش مفهومی و روش میان‌رشته‌ای.

* عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم^(ع) و رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
(nlakzaee@gmail.com / www.lakzaee.ir)

طرح مسأله

از آن‌جا که اندیشه سیاسی امام، همچون دیگر مؤلفه‌های فکری و اندیشه‌ای ایشان، به شاخص فکر و عمل و نقد و ارزیابی در جامعه ما تبدیل شده است. از سوی دیگر مدتی است که درس اندیشه سیاسی امام خمینی به منزله درس عمومی در مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها ارائه می‌شود. هم‌چنین نسل‌های جدید مشتاقند که اندیشه سیاسی امام را بخوانند و با آن آشنا شوند. همه این‌ها و موارد دیگری که از ذکرشان صرف نظر شد، ایجاب می‌کند تا به روش فهم اندیشه سیاسی امام بیش از پیش توجه کنیم.

روشن است که توجه به روش و مطالعه و بررسی روشی اندیشه سیاسی امام خمینی باعث می‌شود سوء فهم و خطا کمتر شود. چنانکه بدون روش معتبر سراغ آثار امام رفتن نیز به هرج و مرج در انتساب مطالب به ایشان و خطا منجر خواهد شد. روشن است که اجتهاد در آثار امام، بدون داشتن روش معتبر میسر نیست. با همه اهمیت که این بحث دارد، مع الاسف تاکنون به آن توجه لازم نشده است.

از روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره) دو معنا مراد می‌شود: معنای اول این است که حضرت امام در تولید اندیشه سیاسی خویش از چه روش یا روش‌هایی بهره برده است؟ و آیا ایشان نوآوری در روش داشته‌اند؟ در صورتی که پاسخ مثبت است، این نوآوری‌ها چیست؟ برای نمونه نوآوری روش‌شناختی امام در اصول فقه به نام نظریه «خطابات قانونیه» از این قبیل است. معنای دوم این است که برای فهم و ارائه اندیشه سیاسی امام از چه روش یا روش‌هایی استفاده کنیم؟ با توجه به آنچه گفته شد، در ادامه مقاله به روش‌های مختلفی که در فهم اندیشه سیاسی امام خمینی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، پرداخته خواهد شد. اهم روش‌ها از این قرار است: روش تحلیل سیستمی، روش بحران، روش تحلیل گفتمانی، روش میان‌رشته‌ای، روش مفهومی و روش راهبردی. گفتنی است که مباحث الفاظ، از قبیل عام و خاص، مطلق و مقید، اجمال و تفصیل، شأن نزول و مواردی از این قبیل به مثابه مفروض روش‌های مطرح در این مقاله تلقی شده، که خواننده نسبت به آن‌ها آگاه است. در بررسی هر روش سه مرحله مورد توجه است: توصیف روش، تطبیق مختصر هر روش بر اندیشه سیاسی امام خمینی و ارزیابی میزان راهیابی روش به اندیشه سیاسی ایشان.

۱. روش تحلیل سیستمی

الف) توصیف روش

بر اساس تحلیل سیستمی هر نظام سیاسی از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش اول ساختار نظام سیاسی و بخش دوم کارویژه‌های نظام سیاسی. در بحث ساختار نظام سیاسی مباحث ذیل مطرح می‌شود:

۱. دلایل ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلام؛
۲. مرزهای نظام سیاسی اسلامی؛
۳. عناصر نظام سیاسی اسلامی؛
۴. شبکه قدرت.

در بحث کارویژه‌های نظام سیاسی مباحث ذیل مطرح می‌شود:

۱. مرکز تصمیم‌گیری در نظام سیاسی اسلامی؛
۲. حدود قلمرو و اختیارات دولت اسلامی؛
۳. جریان قدرت در نظام سیاسی اسلامی؛
۴. بازخورد. (فیرحی، ۱۳۸۲)

ب) تطبیق روش

۱. دلایل ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلام: روشن است که دلایل تأسیس نظام سیاسی با دلایل تأسیس نظام سیاسی اسلامی تفاوت دارد. در این جا باید ادله‌ای را اقامه کنیم که حضرت امام در جهت ضرورت تأسیس دولت اسلامی ارائه کرده‌اند. اولین مبحثی که حضرت امام در آغاز بحث ولایت فقیه در کتاب *البیع* مطرح کرده‌اند، ذیل عنوان ضرورت حکومت اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۷۳، ۶۱۷) و خلاصه بحث را این گونه جمع‌بندی کرده‌اند که «بسط عدالت، تعلیم و تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، حفاظت از مرزها و جلوگیری از تجاوز بیگانگان از دلایل اصلی تشکیل دولت اسلامی است.»^۱ (همان، ۶۲۰)

۱. متن اصلی چنین است: «فإن لزوم الحكومة - لبسط العدالة، و التعليم و التربية، و حفظ النظم، و رفع الظلم، و سد الثغور، و المنع عن تجاوز الأجانب - من أوضح أحكام العقول، من غير فرق بين عصر و عصر، أو مصر و مصر، و مع ذلك فقد دل عليه الدليل الشرعي أيضا.»

۲. مرزهای نظام سیاسی اسلامی: از منظر اندیشمندان و مکاتب مختلف، مرزهای نظام سیاسی به اشکال متفاوتی تبیین شده است. نژاد، زبان، خاک و اعتقاد، برخی از ملاک‌های مرزبندی است. در اینجا باید بحث شود که از نظر امام خمینی، مرز نظام سیاسی اسلامی با غیر آن چیست؟ آیا اعتقادات مذهبی و اسلامی است و یا جغرافیا و ...؟
۳. عناصر نظام سیاسی اسلامی: معمولاً هر نظام سیاسی از دو دسته عناصر اصلی و اقتضایی تشکیل می‌شود. در اندیشه سیاسی امام عنصر رهبری عناصر اصلی و دیگر عناصر اقتضایی اند.
۴. شبکه قدرت: در بحث شبکه قدرت مباحثی از قبیل جای گاه زنان و اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی اسلامی از دیدگاه حضرت امام تبیین می‌شود. به طور کلی، برای پاسخ این پرسش که چه کسانی می‌توانند وارد سلسله‌مراتب قدرت شوند و هر جای گاهی برای چه کسانی است، در این جا تعیین تکلیف می‌شود.
- در بحث کارویژه‌های نظام سیاسی مباحث ذیل مطرح می‌شود:
۱. مرکز تصمیم‌گیری در نظام سیاسی اسلامی: بحث مشروعیت و مقبولیت، انتخاب یا انتصاب و جای گاه و نقش مردم در حکومت اسلامی در این جا مطرح می‌شود.
 ۲. حدود قلمرو و اختیارات دولت اسلامی: بحث حریم خصوصی و عمومی مصلحت نظام، احکام حکومتی و مفهوم ولایت مطلقه فقیه در این قسمت مطرح می‌شود.
 ۳. جریان قدرت در نظام سیاسی اسلامی: مباحثی از قبیل رابطه متقابل مردم و حاکمان، احزاب، مطبوعات و رسانه‌ها، جای گاه پارلمان و انتخابات در ذیل این عنوان مطرح می‌شود.
 ۴. بازخورد: مباحثی از قبیل حق نظارت مردم بر حکومت، امر به معروف و نهی از منکر حاکمان توسط مردم، پاسخگو بودن حکومت، حق اعتراض، انتقاد، راه‌پیمایی و قیام و انقلاب در این جا مطرح می‌شود. (فیرحی، ۱۳۸۲)
- ج) ارزیابی: در صورتی که بخواهیم «نظام سیاسی اسلام» را از دیدگاه امام خمینی مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، این روش می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بیش از این در توان این روش نیست. اما در انجام این وظیفه توانا است. برخی از پژوهشگران در آثار خود از این روش بهره گرفته‌اند. (فیرحی، ۱۳۸۲) روشن است که این روش توانایی محدودی دارد؛ به این معنا که بخش عمده اندیشه سیاسی امام از دسترس این روش دور می‌ماند.

۲. روش بحران

الف) توصیف روش

روش بحران مبتنی بر شباهت‌سازی میان کار پزشکان و متفکران و رهبران سیاسی و اجتماعی است. همان‌گونه که یک پزشک در مواجهه با بیمار، از آغاز تا پایان، چهار اقدام اساسی انجام می‌دهد؛ یک متفکر و رهبر هم در مواجهه با یک جامعه بیمار، چهار مرحله را طی می‌کند. این مراحل عبارت‌اند از:

۱. کشف بیماری، بحران، مشکل و معضله: در اولین قدم باید بررسی کنیم که از نظر متفکر مورد نظر جامعه یا هر واحد دیگری که می‌خواهیم از نظر ایشان مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، دچار چه بحران‌ها و مشکلاتی است؟
۲. در مرحله دوم باید به بررسی و کشف علل، عوامل و دلایل بروز بحران‌ها و مشکلات مذکور در سطح یا سطوح مورد نظر بپردازیم.
۳. ترسیم جامعه مطلوب و آرمانی: در این مرحله باید مشخص کنیم که اگر وضع موجود، از نظر متفکر مورد نظر، وضع نامطلوبی است، وضع مطلوب و آرمانی چگونه تصویر و ترسیم شده است.
۴. شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب: در این مرحله، که آخرین مرحله در اندیشه‌شناسی است، باید مشخص سازیم که آیا متفکر مورد نظر قائل به شیوه‌های مسالمت‌جویانه و اصلاحی است یا این که شیوه‌های رادیکال و انقلابی را پیشنهاد می‌کند. (اسپریگنز، ۱۳۶۵)

ب) تطبیق

برای این که روش فوق از حالت انتزاعی خارج شود، با ذکر یک مثال و به صورت بسیار مختصر، در تحلیل اندیشه سیاسی امام در سطح جامعه ایران آن را به کار می‌بریم:

۱. مشکل و بحران عمده ایران از نظر امام: حکومت استبدادی وابسته به بیگانه.
۲. ریشه‌یابی مشکل: عمل نکردن کامل به اسلام توسط ایرانیان و رهبران مذهبی، به‌ویژه در حوزه سیاست و حکومت.
۳. جامعه مطلوب و آرمانی: عمل به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه در ایران.
۴. شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب: شیوه انتقال در آغاز اصلاحی و فرهنگی بود و پس از آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه و تربیت نیرو، به فاز انقلابی تغییر کرد و نهایتاً با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نظام پادشاهی ساقط و نظام اسلامی مستقر شد.

بدیهی است که همین الگو را می‌توان در سطح جهان اسلام و سطح نظام بین‌الملل نیز به کار برد.

ج) ارزیابی: در صورتی که موضوع تحلیل و تبیین سیره عملی امام و به‌ویژه تبیین علل و عوامل انقلاب اسلامی و نیز بررسی دلایل و علل و عوامل چالش امام با نظام سلطه جهانی باشد، این روش مطلوب است. هم‌چنین در صورتی که هدف پژوهشگر ارائه راه حل برای مشکلات امروز امت اسلامی و جهان از نظر امام باشد، این روش می‌تواند به کار گرفته شود. برخی از پژوهشگران در آثار خود از این روش تا حدودی بهره گرفته‌اند. (فرازی، ۱۳۸۰) این روش نیز توان ارائه تمام ابعاد و مولفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی را ندارد.

۳. روش مفهومی

الف) توصیف روش

روش مفهومی در بردارنده رویکردهای مختلفی است که به برخی از آن‌ها در این جا اشاره می‌کنم:

۱. رویکرد مفاهیم اولیه و ثانویه: در این رویکرد بحث از این جا شروع می‌شود که پس از تعریف سیاست و فعل سیاسی به این نکته اشاره می‌کنیم که در فعل سیاسی دو پرسش کلیدی مطرح است: پرسش اول هدف فعل سیاسی است و پرسش دوم ابزار تحقق هدف فعل سیاسی است. آنچه در پاسخ این دو پرسش مطرح می‌شود، مفاهیم اولیه سیاسی نامیده می‌شود. معمولاً در پاسخ پرسش اول مفهوم کلیدی «سعادت» مطرح می‌شود و در پاسخ پرسش دوم مفهوم کلیدی «قدرت». بنابراین مفاهیم اولیه سیاست عبارت خواهد بود از سعادت و قدرت. تمامی مفاهیم دیگری که در اندیشه سیاسی مطرح می‌شود، مفاهیم ثانویه خواهد بود، زیرا در پاسخ به پرسش‌های مفاهیم اولیه مطرح می‌شود. برای نمونه، وقتی می‌پرسیم سعادت چیست، هر مکتب و هر متفکری برحسب مبانی فکری خود به این سوال جواب می‌دهد. و در هر یک از این جواب‌ها مفهوم خاصی متولد می‌شود. مثلاً هابز می‌گوید امنیت؛ لیبرال‌ها می‌گویند آزادی؛ مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها می‌گویند مساوات و عدالت؛ بت‌ها می‌گفت لذت. پاسخ رایج در فضای امروز عمدتاً به توسعه برمی‌گردد. (منوچهری، ۱۳۸۲)

۲. رویکرد مفاهیم متضاد: هرگاه بخواهیم مفهوم خاصی را در اندیشه متفکر مورد نظر بررسی کنیم، این رویکرد مناسب است. در این رویکرد، که استاد مطهری آن را معرفی کرده و به کار برده است (مطهری، ۱۳۶۵) فهم درست هر مفهوم در گرو مطالعه ضد آن است. ایشان صلاح و فساد، توحید و شرک و ایمان و کفر را برای نمونه ذکر است.

۳. تبیین بر اساس یک مفهوم مرکزی و بنیادی: در این روش، یک مفهوم کلیدی انتخاب می‌شود و از زوایای مختلف بررسی می‌گردد. به عبارت دیگر، امهات اندیشه سیاسی متفکر مورد بحث حول یک مفهوم به نمایش گذاشته می‌شود. چنانکه یک اثر باقیمانده از یک شخص، ولو یک اثر کوچک، ویژگی‌های یک فرد را به ما نشان می‌دهد، بررسی روشمند یک مفهوم کلیدی در اندیشه یک متفکر هم امهات اندیشه وی را به ما نشان می‌دهد. برای مثال، برای بررسی قدرت در اندیشه متفکر می‌توانیم مسیر زیر را طی کنیم: بررسی قدرت از منظر دانش‌هایی که متفکر مورد نظر در آن دانش‌ها صاحب نظر بوده است؛ از قبیل فلسفه، فقه، کلام، عرفان و اخلاق. در این بررسی به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ داده می‌شود:

آیا میان انسان‌ها نظمی دیگر، سوای آنچه با قدرت خلق و ابقا می‌شود، می‌تواند وجود داشته باشد؟

آیا تصرف قدرت و استفاده از آن خوب است؟
چرا باید از قدرت اطاعت کنیم؟

قدرت را به چه کسی باید تفویض کرد؟

- اگر هیچ کس شایسته تصاحب قدرت نباشد، انسان چگونه خواهد توانست با عزت و احترام زندگی کند؟ رابطه قدرت و اخلاق چیست؟ آیا دولت‌ها باید شکل دادن به خصایص اخلاقی افراد را بر عهده گیرند؟

آیا عمل دولت‌ها با استفاده از شر برای تحقق خیر موجه است؟

حدود قلمرو و حوزه قدرت سیاسی را چه چیز تعیین می‌کند؛ ملاحظات عملی آنی یا محدودیت‌های از پیش مستقر؟

آیا در جامعه فقط یک مرکز اساسی قدرت باید وجود داشته باشد؟

رابطه قدرت و قانون چیست؟ آیا کسانی که تحت حکومت مبتنی بر قانون زندگی می‌کنند ضرورتاً آزادند؟

رابطه قدرت و اقتصاد چیست؟ رابطه دولت‌ها و «منافع اقویا» چیست؟

رابطه قدرت و ایمان چیست؟ آیا دولت‌ها باید مسئولیت شکل دادن به اعتقادات افراد را بر عهده بگیرند؟

برخی از پژوهشگران برای بررسی اندیشه فلاسفه سیاسی مغرب زمین از شیوه طرح سوال استفاده کرده‌اند (تیندر، ۱۳۷۴) که در طراحی فوق از آن‌ها استفاده شده است.

ب) تطبیق روش

۱. رویکرد مفاهیم اولیه و ثانویه: در این رویکرد پس از تعریف سیاست از دیدگاه حضرت امام، به این نکته اشاره می‌کنیم که در فعل سیاسی دو پرسش کلیدی مطرح است: پرسش اول هدف سیاست است و پرسش دوم ابزار تحقق هدف است. آنچه در پاسخ این دو پرسش مطرح می‌شود مفاهیم اولیه سیاسی نامیده می‌شود. معمولاً در پاسخ پرسش اول مفهوم کلیدی «سعادت» مطرح می‌شود و در پاسخ پرسش دوم مفهوم کلیدی «قدرت». بنابراین، مفاهیم اولیه سیاست عبارت خواهد بود از سعادت و قدرت. تمامی مفاهیم دیگری که در اندیشه سیاسی مطرح می‌شود، مفاهیم ثانویه خواهد بود، زیرا در پاسخ به پرسش‌های مفاهیم اولیه مطرح می‌شود. از نظر امام تمام اهداف مکاتب و متفکران غربی در پاسخ به مسأله سعادت مقدماتی اند. هدف اصلی و غایه الغایات همان چیزی است که در قرآن و مکتب اهل بیت (ع) بر آن تأکید شده است. یعنی: ما خلقت الجن و الأنس الا یعبدون. قرب به خدا در این جا مطرح می‌شود. در پاسخ به پرسش‌های قدرت نیز مفاهیمی مطرح می‌شود از قبیل تفکیک قوا، مشروعیت، مشارکت و انتخابات. (منوچهری، ۱۳۸۲)
۲. رویکرد مفاهیم متضاد: هرگاه بخواهیم مفهوم خاصی را در اندیشه حضرت امام بررسی کنیم، این رویکرد مناسب است. همان‌طور که گفته شد، در این رویکرد که استاد مطهری آن را معرفی کرده و به کار برده است (مطهری، ۱۳۶۵). فهم درست هر مفهوم در گرو مطالعه ضد آن مفهوم است. ایشان صلاح و فساد، توحید و شرک و ایمان و کفر را ذکر کرده‌اند. در اندیشه

سیاسی می‌توانیم از مفاهیمی چون عزت و ذلت، استقلال و وابستگی، استبداد و آزادی، عدل و ظلم، حاکم جائز و عادل، اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی، و مستضعف و مستکبر یاد کنیم.

۳. تبیین بر اساس یک مفهوم مرکزی و بنیادی: در این روش، یک مفهوم کلیدی انتخاب می‌شود و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، امهات اندیشه سیاسی امام حول یک مفهوم به نمایش گذاشته می‌شود. برای مثال برای بررسی قدرت در اندیشه، پرسش‌هایی از قبیل پرسش‌های مذکور پاسخ داده می‌شود.

ج) ارزیابی

در صورتی که فرصت محدودی برای ارائه اندیشه سیاسی امام داشته باشیم و در ضمن بخواهیم مباحث کلیدی را هم ذکر کنیم، این روش مناسب است. کاربرد رویکرد سوم بیش تر برای تحلیل و تبیین مفاهیم بنیادی است. توانایی این روش در اندیشه سیاسی امام خمینی از روش‌های قبلی بیش تر است، اما در حدی نیست که بتواند تمام ابعاد و مولفه‌های اندیشه سیاسی امام را بنمایاند.

۴. روش تحلیل گفتمانی

الف) توصیف روش

تحلیل گفتمان به شکل‌های مختلف تقریر شده است. در این جا مقصود بهره‌گیری از گفتمان، به عنوان یک تکنیک تحلیلی، در مقایسه با دیدگاه دیگر علمای مسلمان و نیز طیف‌های مختلف اندیشه و عمل سیاسی در طول تاریخ اسلام است. بر اساس این روش در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی، در یک طبقه‌بندی که منشأ اندیشه‌ها، اهداف مورد نظر آن‌ها باشد، چهار نوع گفتمان در ساحت اندیشه و عمل سیاسی دیده می‌شود: گفتمان سیاسی تغلّبی، گفتمان سیاسی اصلاحی، گفتمان سیاسی انقلابی و گفتمان سیاسی تقیه. (لک زایی، ۱۳۸۵)

گفتمان سیاسی تغلّبی: نظریه‌های مطرح در این گفتمان در صدد حفظ وضع موجود بوده‌اند. محور اساسی این نظریه‌ها جمله مشهور «الحق لمن غلب» است. طبیعتاً در این اندیشه‌ها هیچ گونه توجهی به آسیب‌شناسی نظام سیاسی صورت نمی‌گیرد؛ چرا که

اندیشمند نظام سیاسی را حتی در بدترین شکل آن می‌پذیرد. از این نوع اندیشمندان، که عموماً و عمدتاً استبداد و سلطنت را نهادینه کرده‌اند، در عالم اسلامی و جهان غیراسلام، کم نداشته‌ایم. برای نمونه، فضل‌الله بن روزبهان خنجی، در کتاب مشهور سلوک الملوک، آن‌جا که انواع حکومت‌های مشروع را بر می‌شمارد، یک نوع از این حکومت‌ها را حکومتی می‌داند که از طریق استیلا، قهر، شوکت و غلبه پدید آمده باشد: و طُرق انعقاد امامت چهار است: اول، اجماع مسلمانان بر امامت او و بیعت اهل حل و عقد از علما و قضات و رؤسا [...] طریق دوم، استخلاف امام سابق کسی را که شرایط امام در او جمع شده باشد [...] سوم از طریق انعقاد امامت شوروی است [...]، طریق چهارم از اسباب انعقاد پادشاهی و امامت، استیلا و شوکت است. علما گفته‌اند که: چون امام وفات کند و شخصی متصدی امامت گردد، بی‌بیعتی و بی‌آن که کسی او را خلیفه ساخته باشد و مردمان را قهر کند به شوکت و لشکر، [بخوانید زور] امامت او منعقد می‌گردد، خواه قریشی باشد و خواه نه، و خواه عرب باشد یا عجم یا ترک و خواه مستجمع شرایط باشد و خواه فاسق و جاهل و اگر چه آن مستولی بدین فعل عاصی می‌گردد. و چون به واسطه سطوت و استیلا جای امام گرفته، او را سلطان گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد. (فضل‌الله بن روزبهان، ۱۳۶۲، ص ۷۹ - ۸۲)

از نظر نویسنده سلوک الملوک بر حاکم خواه «فاسق و جاهل»، خواه «مستجمع شرایط»، خواه «عاصی» و... می‌توان «امام» و «خلیفه» اطلاق کرد، زیرا همین که «شوکت و لشکر» دارد، باعث قدرت و مقبولیت اوست و روشن است که اگر متفکری چنین نظریه‌ای را بپذیرد، هیچ‌گاه به آسیب‌شناسی رو نمی‌آورد؛ چون اساساً قائل به آسیب نیست، تا بخواهد او را بشناسد یا بشناساند. البته حکومت‌های استبدادی و تغلبی نیز چیزی جز تعریف و تمجید نمی‌خواهند.

گفتمان سیاسی اصلاحی: اندیشه‌ها و رفتارهایی هستند که با توجه به شرایط زمان و مکان و نیز امکانات و سایر شرایط و مقتضیات، که در کل از آن‌ها به «واقعیت‌های موجود» تعبیر می‌کنیم، ضمن این که از اصول و ارزش‌های اساسی خویش عقب‌نشینی نمی‌کنند، در پوشش تقیه‌گونه، پیشنهادهایی به منظور اصلاح و بهبود نسبی امور ارائه می‌دهند و اگر شرایط مساعدتر شد، سعی می‌کنند بر پیشنهادهای خود، برای بهبود اوضاع بیفزایند.

در میان عالمان شیعی، اندیشه سیاسی کسانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی، اندیشه‌های سیاسی اصلاحی اند. لذا آسیب‌شناسی‌هایی که متفکران انجام می‌دادند، در حدی بود که شرایط زمان آن‌ها اقتضا می‌کرد. در این نظریه‌ها تقاضاهایی مبنی بر اجرای احکام اسلامی، در کنار نوعی بیان، که مبین کنار آمدن با سلطنت، و نه مشروعیت بخشیدن به آن است، وجود دارد؛ شبیه آن چه آیت‌الله نائینی درباره سلطنت مشروطه، به کمک اصولی، چون عمل به «قدر مقدور» و «دفع افسد به فاسد» ارائه کرد. روشن است که اصول دیگری چون اصل ضرورت حکومت، اصل تقدیم اهم بر مهم، اصل عدالت اجتماعی، اصل تکلیف، اصل رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، اصل رعایت احکام ثابت شرعی، اصل نفی سبیل و اصل اجتهاد نیز در این اندیشه‌ها مؤثر بوده است؛ به ویژه اصل «اجتهاد» که در واقع، اساس و حاکم و جهت‌دهنده تمامی اصول مذکور است.

گفتمان سیاسی انقلابی: این نوع اندیشه‌ها و رفتارها درصدد تغییر کامل اوضاع هستند. مبانی این اندیشه، برخاسته از دین و هدف آن، انجام تکلیف الهی به منظور «حفظ کشور اسلامی» است. این گونه از اندیشه‌ها، هم در دوران معاصر و هم در صدر اسلام دیده می‌شوند. مکتب سیاسی اسلام را اولین بار حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (ص) ارائه کرد. آن حضرت توانست با تکیه بر تعالیم اسلامی، جامعه جاهلی را تبدیل به جامعه اسلامی کند، نابسامانی‌های مادی و معنوی را در مدتی کم از بین ببرد و فضائل و برکات مادی و معنوی را به ارمغان آورد. حضرت علی^(ع) در توصیف این وضعیت چنین می‌فرماید:

انّ الله بعث محمداً - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - نذيراً للعالمين و اميناً على التنزيل و انتم معشر العرب على شر دين و فى شر دار، منيخون بين حجارة خشن و حيات صمّ، تشربون الكدر و تأكلون الجشب و تسفكون دماءكم و تقطعون ارحامكم، الاصلام فيكم منصوبه و الاثام بكم معصوبه. (سیدرضی، نهج البلاغه، ۱۳۵۹، ۱۲۹ - ۱۳۰).

خداوند متعال محمد(ص) را تبلیغ‌کننده بر عالمیان و امین برای فرستادن قرآن و رسالت مبعوث کرد و در آن حال شما، گروه عرب، دارای بدترین دین بودید و در بدترین جامعه زندگی می‌کردید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای کور

زندگی می‌کردید، آب‌های تیره می‌آشامیدید و غذای خشن می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کردید، بت‌ها در میان شما (برای پرستش) نصب شده [بود] و گناهان و انحراف‌ها سخت به شما بسته بود.

گفتمان سیاسی تقیه: این گفتمان خود دو گونه است: کسانی که تمام عصر غیبت را عصر تقیه می‌دانند و در واقع طرفدار «تقیه زمانیه» هستند؛ گفتمان سیاسی این عالمان تعطیل و تعلیق حکومت در عصر غیبت است. برخی از پژوهشگران، با توجه به سخنان شیخ صدوق در *اعتقادات*، ایشان را جزء این گروه دانسته‌اند:

و التقیه واجبۀ لا یجوز دفعها الی ان یخرج القائم - علیه السلام -، فمن ترکها قبل خروجه فقد خرج عن دین الله و دین الامامیه و خالف الله و رسوله و الائمه. «تقیه واجب است و ترک آن تا ظهور قائم - علیه السلام - جائز نیست و هر کس که تقیه را قبل از ظهور ترک کند، از دین خدا و دین امامیه خارج شده است و مخالفت با خدا و رسولش و امامان - علیهم السلام - نموده است. (شیخ صدوق، *الاعتقادات*، ۱۰۸، محمدعلی قاسمی، ۱۳۸۰، ۶۸).

اما بخش اعظم طرفداران تقیه، طرفدار «تقیه موردی» هستند. تقیه موردی در زمان ائمه معصومین^(ع) نیز وجود داشته است. این تقیه مربوط به زمانی است که خطر جانی یا مالی قابل توجه برای اظهار عقیده یا دفاع از عقیده وجود داشته باشد. این تقیه مشروط به شرایطی، از جمله حفظ اسلام، حفظ نیروهای مبارز و در جهت پنهان کردن مبارزه و منوط به این که جان شخص محترمی بخاطر تقیه بخطر نیفتد مجاز اعلام شده است. مثل این که علی بن یقظین وزارت هارون الرشید را پذیرفت (علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۸، ۱۳۶؛ و رسول جعفریان، ۱۳۷۱، ۴۷).

ب) تطبیق روش

از میان گفتمان‌های مذکور اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی در قالب گفتمان اصلاحی و انقلابی قابل تبیین است. بخش عمده‌ای از اندیشه و عمل سیاسی ایشان صرف مبارزه با گفتمان سیاسی تغلبی شد. هم‌چنین ایشان با اعلام حرمت تقیه شرایط عصر خود را برای تقیه مناسب ندانستند، زیرا از نظر ایشان اصل اسلام به خطر افتاده بود. اندیشه سیاسی امام خمینی و به تبع آن آسیب‌شناسی وی از نظام

سیاسی پهلوی، در یک مقطع از تاریخ، اندیشه ایشان اصلاحی است. چنان‌که مبین اصلاحی بودن اندیشه و عمل سیاسی علمایی است که ایشان از آن‌ها نام برده است. بیانات زیر که از کتاب *کشف اسرار* نقل می‌کنیم، در همین گفتمان اندیشه‌های اصلاحی قابل تحلیل و توضیح است:

ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی تاکنون نگفته و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم یا سلطنت حق ما است. آری، همان طور که ما بیان کردیم، اگر سلطنتی و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که خوب است و مطابق مصالح کشور و مردم است. البته تشکیلاتی که بر اساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود، بهترین تشکیلات است، لکن اکنون که آن را از آن‌ها نمی‌پذیرند، این‌ها هم با این نیمه‌تشکیلات هیچ‌گاه مخالفت نکرده و اساس حکومت را نخواستند به هم بزنند و اگر گاهی هم با شخص سلطانی مخالفت کردند، مخالفت با همان شخص بوده، از باب آن که بودن او را مخالف صلاح کشور تشخیص دادند و گرنه، با اصل اساس سلطنت تاکنون از این طبقه مخالفتی ابراز نشده است^(۶)، بلکه بسیاری از علمای بزرگ عالی مقام، در تشکیلات مملکتی با سلاطین همراهی‌ها کردند، مانند خواجه نصیرالدین و علامه حلی و محقق ثانی و شیخ بهائی و محقق داماد و مجلسی و امثال آن‌ها. [...] مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند. (امام خمینی، *کشف اسرار*، ص ۱۸۶ - ۱۸۷).

نکته اساسی در تفکر و اندیشه سیاسی «مجتهدین» که در بخش پایانی مطالب مذکور آمد، آن است که «مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند.» و طبیعی است که باید پیشنهاداتشان در همین فضا فهمیده شود و روشن است که تفاسیر دیگر، تفسیر «بما لا یرضی صاحبه» خواهد بود.

مشابه تفسیری که امام خمینی درباره رفتار سیاسی علما و مجتهدین دارد، درباره رفتار و عمل سیاسی ائمه^(ع) نیز دارند. از منظر ایشان هم‌کاری ائمه^(ع) با حاکمان جور، غیرمشروع و غاصب به منظور خیر و صلاح مسلمین بوده است و این بدین معنا نیست که کسانی گمان کنند که آن‌ها حکومت‌های جور را تأیید کرده‌اند و بنابراین ما نباید، در هیچ زمانی، برای برپایی حکومت حق قیام کنیم. در این باره مطلب زیر قابل توجه است:

اکنون اگر کسی تکذیب کند از وضع یک حکومتی که این حکومت‌ها، جائزانه است و کسی هم تا زمان دولت حق نمی‌تواند آن‌ها را اصلاح کند، چه ربط دارد به این که حکومت عادلانه نباید تشکیل داد؟ بلکه اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد، می‌بیند که همیشه امامان شیعه با آن که حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می‌دانستند و با آن‌ها آن‌طورها که می‌دانید سلوک می‌کردند، در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در کمک‌های فکری و عملی کوتاهی نمی‌کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه جور، باز شیعیان علی^(ع) پیش قدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلام شده، مطلعین می‌گویند و تاریخ نشان می‌دهد که یا به دست شیعیان علی یا به کمک‌های شایان تقدیر آن‌ها بوده. شما همه می‌دانید که سلطنت بنی‌امیه در اسلام، بدترین و ظالمانه‌ترین سلطنت‌ها بوده و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر(ص) و فرزندان علی بن ابی طالب^(ع) همه می‌دانند و در میان همه بنی هاشم بدسلوکی و ظلمشان به علی بن الحسین زین العابدین^(ع) بیش‌تر و بالاتر بود. به همین سلطنت وحشیانهٔ جائزانه، ببینید علی بن الحسین^(ع) چه قدر اظهار علاقه می‌کند. در کتاب صحیفه سجادیه می‌گوید: اللهم صلّ علی محمد و آله و حسن ثغور المسلمین بعزّتک و أتید حماتها و اسبق عطایا هم من جدتک [...] تا آخر این دعا که قریب هشت صفحه است. (همان، ص ۲۲۵ - ۲۲۶)

نکته مهم، در رفتار سیاسی ائمه^(ع) و «مجتهدین»، از نظر امام خمینی، حفظ کشور اسلامی است که در مطالب یاد شده بر آن تأکید شده است. با این وصف ایشان تنها به گفتمان اصلاح نمی‌پردازد، بلکه با همه توضیحاتی که دربارهٔ هم‌کاری ائمه^(ع) و علما با سلاطین جائر دارد، از این هم‌کاری مصلحت‌اندیشانه دست می‌کشد و «حفظ کشور اسلامی» را در گرو حرکتی جدید می‌داند که همان عبارت از «انقلاب»، «نفی رژیم سلطنتی» و «تأسیس حکومت اسلامی» است. در واقع، تحول مهم در تاریخ اندیشهٔ سیاسی شیعه که امام خمینی^(ره) بانی و عامل آن در دورهٔ معاصر بود، همین انتقال از «تفکر اصلاحی» به «تفکر انقلابی» است. این همان چیزی است که نقطهٔ قوت اندیشهٔ سیاسی امام است و به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی؛ یعنی «اجتهاد»، صورت گرفته است. امام به طور عمیقی از

اندیشه‌های اصلاحی باخبر بود، اما آن‌ها را برای وضعیت معاصر مناسب ندید. این بود که با شناخت آسیب‌ها، آفت‌ها و بیماری‌های موجود در جامعه، سیاست ایران، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل، به ارائه راه حل‌ها، درمان و آفت‌زدایی از این مجموعه پرداخت و موفق شد با تشکیل جمهوری اسلامی راه را برای آفت‌زدایی از مجموعه کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز کند.

ج) ارزیابی:

اگر قصد ما بررسی مقایسه‌ای اندیشه امام باشد، این روش کارآیی دارد. هم‌چنین در صورتی که بخواهیم میان اندیشه و عمل سیاسی امام تطبیق بدهیم، این روش مطلوب است. بر اساس این روش، عمل سیاسی ایشان تا سال ۱۳۴۸ اصلاحی است و پس از آن در چارچوب گفتمان انقلاب تحلیل می‌شود. این روش نیز برای ارائه تمامی ابعاد و مولفه‌های اندیشه سیاسی ایشان کارآیی ندارد.

۵. روش راهبردی

الف) توصیف روش

بر اساس این روش محتوای اندیشه سیاسی متفکر مورد نظر را به دو بخش تقسیم می‌کنیم؛ آنچه کاربرد آن محدود به زمانه خود متفکر است غیر راهبردی و آنچه از ویژگی فرازمانی برخوردار است راهبردی نامیده می‌شود و عناصر راهبردی است که به خاطر خصلت و ویژگی فرازمانی خود، برای نسل امروز و فردا اهمیت دارد. از این روش با عنوان دیگری نیز می‌توانیم یاد کنیم، یعنی روش تفکیک پرسش‌های زمانمند و فرازمانی. در واقع آنچه در بررسی اندیشه متفکران برای امروز از اهمیت بیش تری برخوردار است، پرسش‌های دسته دوم است که آن‌ها را راهبردی می‌نامیم.

ب) تطبیق روش

مباحث راهبردی خوب است با دین‌شناسی ویژه امام و نیز انسان‌شناسی ویژه ایشان شروع شود. زیرا اندیشه‌های راهبردی امام، بر اساس لایه‌های سه‌گانه‌ای که برای انسان قائل هستند، یعنی عقل، قلب و ظاهر (شرح چهل حدیث، ۱۳۷۸، ۳۸۶) در سه بخش قابل طبقه بندی است: راهبردهای سیاسی - اعتقادی، راهبردهای سیاسی - اخلاقی و راهبردهای فقهی - حقوقی. رهبری الهی و توحیدمحوری، معادباوری، توکل، تقدم

ارزش‌های معنوی بر ارزش‌های مادی، عزت‌مداری، ساده‌زیستی، تواضع، حفظ نظام با اخلاق، صدور انقلاب با اخلاق، ولایت فقیه، قانون‌محوری، رعایت حقوق‌الناس، تکلیف‌گرایی، تربیت مومن فعال، زندگی با برنامه و نظم، استقامت در راه حق، خودباوری، خدمت به مردم، مردم‌گرایی، اصالت خانواده، به‌منزله‌کانون اصلی محبت، مشارکت حداکثری مردم در اداره مملکت، راهبرد زندگی توأم با عزت، راهبرد جهادی زندگی کردن (جهاد اکبر، کبیر، افضل و اصغر)، استقلال و خودکفایی، عدم ورود دولت در آنچه مردم توان ورود دارند، استفاده از تولیدات داخلی، اعتماد به مردم، قاطعیت، وفای به عهد، حمایت از مستضعفان و مقابله با سلطه، آزادی‌خواهی و مبارزه با دیکتاتوری و استبداد و عدالت‌خواهی در سطح نظام سیاسی، در سطح قوانین، در سطح کارگزاران، در سطح ساختارها و در سطح رفتارها اهم اندیشه‌های راهبردی امام با نگاه سیاسی است. مستندات مباحث مذکور از طریق نرم‌افزار آثار امام خمینی قابل دست‌یابی است، که برای پرهیز از تفصیل ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود. (ر.ک: مرکز تحقیقات نور و موسسه تنظیم)

ج) ارزیابی:

این روش بیش‌تر زمانی مناسب است که هدف از بررسی اندیشه‌های امام استخراج و استنباط سیاست‌های کلان باشد.

روش پیشنهادی: روش میان‌رشته‌ای

اندیشه سیاسی مفهوم عامی است که تمامی مباحث ارزشی و هنجارهای سیاسی از طیف‌های مختلف اندیشه را شامل می‌شود. فهم جامع، روشمند، منسجم و بهتر اندیشه سیاسی امام خمینی در گرو توجه به این تنوع و گوناگونی و بررسی مستقل هر محور، با روش متناسب آن است. اهم این محورها از این قرار است:

۱. فلسفه سیاسی امام خمینی؛
۲. عرفان سیاسی امام خمینی؛
۳. کلام سیاسی امام خمینی؛
۴. اخلاق سیاسی امام خمینی؛
۵. فقه سیاسی امام خمینی؛
۶. سیره سیاسی معصومین (ع) از دیدگاه امام خمینی؛
۷. تفسیر سیاسی قرآن از دیدگاه امام خمینی؛

بدیهی است که در هر یک از عناوین مذکور، لازم است از روش خاصی پیروی کنیم. تعریف، موضوع، مسائل، روش، منابع و غرض و غایت هر یک از موضوعات فوق، با تکیه بر آثار امام به خوبی قابل ارائه است. برخی از محورهای فوق در آثار منتشر شده درباره اندیشه سیاسی امام خمینی آمده است. مثلاً کتاب *مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام هم واجد مباحث تفسیر سیاسی است و هم دربردارنده مباحث فلسفه سیاسی* (لک زایی، ۱۳۸۶). *فقه سیاسی امام در کتاب سیر تطور تفکر سیاسی امام* (لک زایی، ۱۳۸۳) و *کتاب اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام* (قاضی زاده، ۱۳۷۷) مطرح شده است. در برخی مقالات (فراشی، ۱۳۸۱) و رساله‌های دانشگاهی (باقری فرد، ۱۳۸۴) به عرفان سیاسی امام توجه شده است.

روشن است که از نظر پژوهش‌های روشمند و جامع هنوز در آغاز راه هستیم. در ادامه به بررسی ارتباط روش‌های پیش گفته با گرایش‌های اندیشه‌ای مذکور و نیز ارائه روش‌های جدید بر حسب هر گرایش می‌پردازیم.

در تبیین فلسفه سیاسی امام، علاوه بر روش مفهومی، می‌توانیم از روش علل اربعه نیز استفاده کنیم. به نظر فلاسفه، هر امر حادثی نیازمند چهار علت است: علت مادی، صوری، فاعلی و غایی. (محمد تقی مصباح، ۱۳۶۶، ۲۰) به یک معنا وقتی از پدیده‌ای که نبوده است و بوجود آمده است، پرسش می‌کنیم، در واقع از این چهار علت سوال کرده ایم. از این منظر هرگاه از سیاست پرس و جو کنیم، چهار پرسش زیر مدنظر است:

۱. علت مادی سیاست چیست؟
 ۲. علت صوری سیاست چیست؟
 ۳. علت فاعلی سیاست چیست؟
 ۴. علت غایی سیاست چیست؟
- برای این که این پرسش‌های فلسفی، به ادبیات رایج در متون سیاسی نزدیک شود، می‌توانیم آن‌ها را به شکل زیر نیز مطرح کنیم:
۱. مبانی و منابع تولید فعل سیاسی چیست؟
 ۲. انواع، سطوح و ابعاد فعل سیاسی چیست؟
 ۳. افراد، کارگزاران، نهادها و سازمان‌هایی که شایستگی دارند تولید و مدیریت فعل سیاسی به آن‌ها سپرده شود چه شرایطی دارند؟
 ۴. هدف از تولید فعل سیاسی و تاسیس نظام سیاسی چیست؟

در تبیین کلام سیاسی امام از روش تحلیل گفتمان می‌توانیم استفاده کنیم. در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی سه گفتمان بر اساس سه نظام معنایی و نشانه‌شناختی به وجود آمده است:

۱. گفتمان امامت و خلافت؛
 ۲. گفتمان امامت و سلطنت؛
 ۳. گفتمان امامت - ولایت و لیبرال دموکراسی. (لک زایی، ۱۳۸۵، ۶۲)
- هر کدام از این گفتمان‌ها و نظام‌های معنایی دارای سه لایه یا سطح هستند:
۱. لایه ذهنی و سطح باورها؛
 ۲. لایه محمل رفتاری؛
 ۳. لایه محمل مادی و تمدنی.

چالش گفتمان خلافت و سلطنت با نظام امامت و ولایت در هر سه سطح صورت گرفته است.

نظام معنایی شیعی چون عهده‌دار پاسخ به این سؤال اصلی است که «چطور می‌شود که هم در عصر خودمان زندگی کنیم و هم اصیل بمانیم؟» ناگزیر است از سوئی از مبانی و اصول خود تخطی نکند، و از سوی دیگر وقتی با حوادث واقعه‌ای مواجه می‌شود که ممکن است برایش بحران هویتی ایجاد کند، مرتب خود را به روز نماید و بر همین اساس مجاز است بین گفتمان‌های تقیه، اصلاح و انقلاب، بر حسب شرایط و مقتضیات حرکت کند. اما گفتمان تغلب و استبداد خروج از گفتمان امامت و ورود به نظام معنایی رقیب است. مکانیزم اجتهاد شیعی عهده‌دار حل و فصل پرسش «عصری بودن» در عین «اصیل بودن» است. (همان)

در تبیین اخلاق سیاسی امام، علاوه بر روش بحران و رویکرد دوم در روش مفهومی، می‌توانیم از الگوی جنود عقل و جهل نیز استفاده کنیم. این روش برگرفته از اثر امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل و نیز کتاب شرح چهل حدیث است. در تبیین فقه سیاسی امام، علاوه بر روش سیستمی، می‌توانیم از روش سبر و تقسیم نیز استفاده کنیم. این روش برگرفته از اثر روزبهان خنجی، سلوک الملوک، در فقه سیاسی است. وی در بیان علت سازماندهی کتاب سلوک الملوک آورده است که این کتاب برای بیان وظایف امام و سلطان از جهت امامت و سلطنت نوشته شده است. انجام درست این کار متوقف است اولاً بر معرفت امام و سلطان در شرع و تبیین

مفهومی این اصطلاحات، و مقدمه این کتاب مفید آن است. و چون امامت در شرع عبارت از جانشینی پیامبر است در اقامه شرع و حفظ حوزه دین به گونه ای که واجب باشد پیروی از او بر تمام مردم، پس عمل امام، برپاداشتن شرع و حفظ دین است. و این هر دو کار متوقف است بر فراگیری علوم شریعت، زیرا که اجرای شرع از روی جهل ممکن نیست، پس امام لازم است حفظ علوم شریعت کند. باب اول مفید حفظ علوم شریعت است. عمل امام در شرع، بنابر اتصاف او به وصف امامت، یا با مسلمانان است یا با کافران؛ اگر با مسلمانان است، یا با مسلمانان عادل است که در اطاعت امامند یا با مسلمانان باغی که از طاعت او خارجند؛ و اول که در طاعت امامند، یا تصرف در نفوس ایشان است یا در اموال، یا در هر دو. اگر تصرف در نفوس ایشان است یا به نصب کسی است که دشمنان را وادار کند به ادای حقوق، و آن قاضی است و باب دوم مفید نصب اوست. یا به نصب کسی است که امر به معروفات کند و نهی از منکرات نماید، و آن محتسب است، و باب سوم مفید نصب او است. یا به نصب کسی است که نایب خلیفه باشد در اجرای احکام متعلق به سیاسات، و آن داروغه و اشباه او است، و باب چهارم مفید نصب او است. این است ابواب تصرف در نفوس.

یا تصرف در اموال است به اخذ حقوق شرع از آن و صرف در مصارفی که شارع تعیین فرموده؛ و آن اگر متمحض است در عبادت، تصرف در او به اخذ زکات است، و باب پنجم مفید آن است. و اگر متضمن مؤونت است یا سبب حفظ مقاتله اسلام است و آن خراج است، و باب ششم مفید آن است. یا سبب حفظ غیر ایشان است، از ارباب مصالح شرع، و آن گم‌شده‌ها و ترکات و باقی اموال مصالح است، و باب هفتم مفید آن است. این است عمل و تصرف امام در اموال. و اما تصرف در مجموع از اموال و نفوس؛ یا اجرای حدود است که متضمن حفظ مال و تعذیب نفوس است برای استصلاح، و باب هشتم مفید آن است. یا به امر کردن ایشان است به اقامت شعایر اسلام از حج و جمعه و عید که متضمن تکلیف ابدان است یا بذل مال، و باب نهم مفید آن است. این است عمل امام با مسلمانان عادل. یا عمل است و تصرف در مسلمانان بغات، و باب دهم مفید آن است.

و اما عمل امام در شرع با کافران یا به جنگ است یا به صلح، اگر به جنگ است یا از جهت تعرق ایشان است در کفر یا جهت عروض کفر است، و اول یا در نفوس ایشان است یا اموال ایشان، اگر در نفوس ایشان است آن جهاد است، و باب یازدهم

مفید آن است. یا در اموال ایشان است و آن غنایم است، و باب دوازدهم مفید آن است. یا جهت عروض کفر است ایشان را بعد از اسلام، و آن مرتدانند از کافران، و باب سیزدهم مفید آن است. این است عمل با کافران به جنگ. و اما عمل با کافران به صلح یا به مصلحت اخذ مالی است از ایشان، و آن جزیه است، و باب چهاردهم مفید آن است. یا به مصلحتی است غیر مال از استیناس با اهل اسلام، و از سماع قرآن و شیوع تجارت و دیگر مصالح که رأی امام تقاضای آن کند، و آن موادعه و امان است، و باب پانزدهم مفید آن است. (فضل‌الله بن روزبهان خنجی، ۱۳۶۲)

خلاصه این چارچوب به شرح زیر قابل بیان است:

فقه سیاسی عهده‌دار تبیین حقوق و وظایف حکومت اسلامی است. این حقوق و وظایف، از نظر ایشان، در سه حوزه منحصر است:

۱. در رابطه با مسلمانان:

الف) ولایت بر نفوس؛

ب) ولایت بر اموال؛

ج) ولایت بر اموال و انفس؛

۲. در رابطه با اهل بغی؛

۳. در رابطه با کفار؛

الف) فقه صلح؛

ب) فقه جنگ.

در تبیین سیره سیاسی معصومین، علیهم السلام، از دیدگاه امام و نیز بررسی سیره سیاسی خود امام روش راهبردی مناسب است.

جمع‌بندی

گفته شد که به میزان توجه به اندیشه‌های امام خمینی^(ره) لازم است به روش‌های فهم و ارائه این افکار و اندیشه‌ها نیز توجه شود. در غیر این صورت، ممکن است داستان شخصی که نماز نمی‌خواند، چون خدا در قرآن گفته است «لاتقربوا الصلوة» تکرار شود. در ادامه مقاله روش تحلیل سیستمی با هدف بررسی نظام سیاسی اسلام از دیدگاه امام، روش بحران با هدف بررسی مشکلات ایران، جهان اسلام و نظام بین‌الملل از دیدگاه امام، روش تحلیل گفتمانی با هدف مقایسه اندیشه و عمل سیاسی امام با دیگر متفکران

و عالمان مسلمان و تبیین نوآوری‌های امام، روش مفهومی با هدف تسهیل در ارائه مباحث موضوعی و مستقل، و روش بین‌رشته‌ای با هدف انجام مطالعات عمیق در مقاطع تحصیلات تکمیلی و روش راهبردی با هدف بررسی اندیشه‌های راهبردی امام، به منظور بکارگیری در دکترین‌های نظام جمهوری اسلامی ارائه شد. پایان‌بخش مباحث ارائه راهکار برای فهم بهتر اندیشه سیاسی امام بود.



منابع:

۱. آئین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی (س)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
۲. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳)، *البیع*، ج ۵، قم، جامعه المدرسین بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۳. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *شرح چهل حدیث*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۴. امام خمینی (بی تا)، *کشف اسرار*، بی جا.
۵. امام خمینی (بی تا)، *نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (سلام الله علیه).
۶. پارسانیا، حمید (۱۳۸۰)، *عرفان و سیاست*، تهران، فراندیش.
۷. اسپریگنز، توماس (۱۳۶۵)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه - فرهنگ - رجایی، تهران، آگاه.
۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۱)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، ج ۲، سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. فیرحی، داود (۱۳۸۲)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ قم، موسسه آموزش عالی - باقرالعلوم (ع).
۱۰. باقری فرد، سعیده (۱۳۸۴)، *ارتباط عرفان و سیاست از دیدگاه امام خمینی (پایان نامه کارشناسی ارشد)*، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۱۱. سیدرضی (۱۳۵۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه و تفسیر علامه محمدتقی جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۳۸۹)، *الاعتقادات*، قم، موسسه الامام الهادی (ع).
۱۳. علامه مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، ج ۴۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. منوچهری، عباس (۱۳۸۲)، *مفاهیم اساسی در فلسفه سیاسی*، تهران، پرسش.

۱۵. فراتی، عبد الوهاب (۱۳۸۰)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (قدس سره)*، تهران، احیاگران.
۱۶. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱)، «تعامل عرفان و سیاست در اندیشه امام خمینی»، *معارف*، ش ۷، تیر.
۱۷. خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۶۲)، *سلوک الملوک*، به تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
۱۸. قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷)، *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۹. تیندر، گلن (۱۳۷۴)، *تفکر سیاسی*، ترجمه محمود صدری، تهران، شرکت-انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۰)، *نظریه تعطیل حکومت و نقد آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، *بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران، صدرا.
۲۲. مصباح، محمد تقی (۱۳۶۶)، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. لکزایی، نجف (۱۳۸۶)، *درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی^(ره)*، قم، موسسه بوستان کتاب.
۲۴. لکزایی، نجف (۱۳۸۳)، *سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی^(ره)*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. لکزایی، نجف (۱۳۸۵)، *چالش سیاست دینی و نظم سلطانی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی